



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

The Power of Shame: Metzora

قدرت شرم: متزورا

در دسامبر ۲۰۱۳ زن جوانی به نام جاستین ساکو در فرودگاه منتظر سوار شدن به هواپیما به مقصد آفریقا بود. او برای وقت گذارنی توییتی دربارهٔ خطرهای ابتلا به بیماری ایدز فرستاد. پاسخی بیدرنگ برای او فرستاده شد و او بی خبر از توفانی که در راه بود سوار هواپیما شد. یازده ساعت بعد پس از پیاده شدن فهمید که او یک سلبریتی بین المللی شده است. توییت او و جوابی که گرفت همه جا دنبال شد.

طی یازده روز نام او میلیون ها بار در گوگل جستجو شد. او را نژادپرست دانستند و از کار اخراجش کردند. او یک شبه به فردی مطرود تبدیل شد.¹

¹ Jon Ronson, *So You've Been Publicly Shamed*, London: Picador, 2015, pp. 63-86.

شبکه های اجتماعی جدید پدیده ای باستانی را بازگشت داده اند: شرمنده کردن در انتظار همگان. دو کتاب اخیر به این موضوع پرداخته اند: از جان رانسون به نام *So You've*

Been Publicly Shamed و از جنیفر جکت² *Is Shame Necessary?*

جکت معتقد است که شرمنده ساختن در انتظار همگان چیز خوبی است و می تواند راهی باشد برای مجبور ساختن موسسات همگانی برای نشان دادن مسئولیت بیشتر. رانسون خطرهای این کار را برجسته می سازد. این که در چشم افراد جامعه ای که به آن تعلق داری شرمزده شوی، یک چیز است و شرمزده شدن در شبکه افراد غریبه ای که هیچ چیزی در مورد شما نمی دانند و از پیش زمینه عمل شما خبر ندارند، یک چیز دیگر. این بیشتر شبیه اعدام بی محاکمه توسط جنایتکاران است تا خواست عدالت.

به هر حال، این بررسی ها به ما امکان فهم پدیده *tsara'at* را می دهند که در غیر این صورت، مبهم باقی می ماند. این پدیده در پاراشای هفته پیش و این هفته به تفصیل آمده است. تزارات را برص، بیماری پوستی و عفونت پوستی معنا کرده اند. با این همه مشکل بزرگی برای تشخیص شباهت آن با بیماری های شناخته شده وجود دارد. اول این که علایم آن با بیماری هانسن که آنرا برص می نامند، همخوانی ندارند. دوم این که تزارات که در تورات توصیف شده، نه تنها انسان ها، بلکه دیوارهای خانه، اسباب و لباس ها را هم فرا می گیرد. هیچ بیماری شناخته شده ای این علایم را ندارد.

افزون بر این، تورات کتابی است درمورد تقدس و رفتار درست. حتی اگر به قول دیوید زوی هافمن در تفسیر خود³، این یک بیماری معمول بوده باشد، عملیات لازم برای آن

² Jennifer Jacquet, *Is Shame Necessary? New Uses for an Old Tool*, London: Allen Lane, 2015.

³ Rabbi David Zvi Hoffman, *Commentary to Sefer Vayikra* [Hebrew] (Jerusalem: Mossad Harav Kook, 1972), vol. 1, pp. 253–255.

شبهه عملیات لازم برای مقابله با یک بیماری مسری نیست. تزارات آن گونه که در تورات توصیف شده، شرایطی است که نه بیماری، بلکه ناپاکی *tumah* ایجاد می کند. سلامتی و پاکی با یکدیگر به کلی فرق دارند.

حکیمان تلمودی این راز را با ارتباط دادن پاراشای این هفته با مواردی که در تورات کسی به تزارات مبتلا شده، بازشکافته اند. این اتفاق برای میریام افتاد وقتی که پشت سر برادرش موسی بدگویی کرد (اعداد ۱-۱۵:۱۲). مورد دیگر وقتی بود که موسی در برابر بوته فروزان به خدا گفت که بنی اسرائیل او را باور نخواهند کرد: "دست های او مدت کوتاهی مانند برص به سفیدی برف شدند" (خروج ۴:۷). حکیمان تزارات را مکافاتی برای لاشون هارا یا زبان شر و سخن گفتن از دیگری با قصد منفی خوار کردن او، دانسته اند.

این تفسیر کمک می کند بفهمیم که چرا علایم تزارات – مانند پوسیدگی و رنگ پریدگی – می توانست به دیوارها، اسباب خانه، لباس ها و پوست انسان سرایت کند. اینها هشدارها و مکافات های پی در پی بودند. ابتدا خدا فرد خطاکار را با علایم پوسیدگی در دیوارهای خانه اش هشدار می دهد. اگر خطاکار توبه می کرد، علایم متوقف می شد، و گرنه، اسباب خانه او مبتلا می شد و پس لباس ها و در نهایت پوست تن او.

ما چگونه این نکته را بفهمیم؟ چرا زبان شر گناهی به این بزرگی بود که این پدیده های عجیب می بایست به آن هشدار بدهند؟ و چرا به این شکل و نه شکلی دیگر مکافات می شد؟

روت بندیکت، فرهنگ شناس و نویسنده کتاب *The Chrysanthemum and the Sword*⁴ دو نوع جامعه را از هم تفکیک داد که این دیدگاهش سر زبان ها افتاد: فرهنگ

⁴ Boston: Houghton Mifflin, 1946.

های تقصیر-محور و فرهنگ های شرم - محور. یهودیت و مذاهب زیر تاثیر آن مانند کالوینیزم [مترجم فارسی: فرقه ای سویسی از پروتستان ها] فرهنگ های تقصیر بودند. تفاوت میان آنها اساسی است.

در فرهنگ شرم امر مهم، قضاوت دیگران است. رفتار اخلاقی یعنی تسلیم به قواعد و رسوم و توقع های همگانی. همان کاری را می کنی که دیگران از تو انتظار دارند. از قراردادهای اجتماع پیروی می کنی. اگر در این کار شکست بخوری، اجتماع تو را با شرمزده، مسخره و طرد کردن، خوارداشت و اخراج، مجازات می کند. در فرهنگ های تقصیر آنچه مهم است نظر آدم های دیگر نیست، بلکه همخوانی با دستورهای اخلاقی درونی شده اهمیت دارد. در فرهنگ های تقصیر، نه نظر مردم دیگر، بلکه صدای وجدان فردی اهمیت دارد. زندگی با اخلاق یعنی رفتار در همخوانی با احکام وجدان اخلاقی: "تو باید" و "تو نباید". مهم این است که بدانی چه کاری درست و چه کاری غلط است.

مردم در فرهنگ های شرم از طریق دیگران هدایت می شوند. برای آنها مهم است که چگونه در چشم دیگران دیده شوند یا به قول امروزی، آدم ها نگران "تصویر" خود هستند. مردم در فرهنگ های تقصیر، از درون هدایت می شوند. برای آنها این مهم است که در لحظات صداقت کامل، درباره خود چه فکر می کنند. حتی اگر تصویر بیرونی تو آسیب ندیده باشد، اگر خودت بدانی که کار خطایی کرده ای، ناراحت می شوی. نیمه شب با ناراحتی از خواب بیدار می شوی. مانند شکسپیر که در نمایشنامه ریچارد سوم می گوید: "ای وجدان ترسو چه بلایی بر سر من آورده ای!" و "وجدان من هزار زبان دارد / و هر زبان برای من داستان ها دارد / و هر داستان مرا همچون یک شرور محکوم می کند". شرم یعنی تحقیر در انظار عمومی. احساس تقصیر، رنجی درونی است.

برآمد فرهنگ تقصیر در یهودیت از فهم مناسبات میان خدا و بشریت برخاست. در یهودیت، ما برای اجتماع، بازیگرانی نیستیم بر روی صحنه که آنها مخاطب و قاضی ما باشند. ما می توانیم اجتماع را گول بزنیم؛ اما نمی توانیم خدا را گول بزنیم. همه ادعاها و تکبرها، همه نقاب ها و ظاهر سازی ها، نشان دادن یک تصویر زیباشده از خود برای همگان، همگی بیفایده هستند؛ "خداوند به ظاهر نمی نگرد، بلکه به قلب نگاه می کند" (کتاب اول شموئل ۱۶:۷).

فرهنگ های شرم، جمع گرا هستند و تسلیم قراردادهای جمع. برعکس یهودیت که نمونه اول فرهنگ تقصیر است بر روی فرد و روابط او با خدا تاکید دارد. مهم این نیست که ما پیرو رسوم زمانه باشیم، اما این مهم است که ما کار خیر، درست، عادلانه را انجام دهیم.

این نکته قانون تزارات را برجسته می سازد، زیرا بنا به تفسیر حکیمان تلمودی، این یکی از نمونه های نادر در تورات است که مجازات بر شرم استوار است و نه بر تقصیر. پیداشدن پوشیدگی یا رنگ باختگی در دیوارهای خانه نشانه ای بود خصوصی از یک خطاکاری. راهی بود برای هشدار به آنهایی که در خانه زندگی می کردند یا به دیدار ساکنان آن می رفتند که "حرف های بدی در این مکان به زبان آمده است". کم کم، علایم به فرد مقصر نزدیک می شوند و نزدیک رختخواب، صندلی و لباس ها و سپس پوست بدن او می شود تا آنکه خود را ناپاک می یابند:

و لباس فرد مبتلا و دارای نشانه های این بیماری را باید پاره کرد و موهای سر او را باید تراشید. و آنها باید لب های بالای خود را بپوشانند وقتی که فریاد می زنند: "ناپاک! ناپاک!". آنها تا وقتی که این بیماری را دارند باید در وضعیت ناپاکی

باشند؛ آنها ناپاک هستند. آنها باید جدا از دیگران زندگی کنند؛ سکونتگاه آنها

باید خارج از اردوگاه باشد. (لاویان ۴۵-۴۶:۱۳)

اینها بیان دقیق شرم هستند. ابتدا داغ شرم است: رفتار خوارداشت و تحقیر (لباس های پاره شده، موی تراشیده).

سپس نوبت طرد می رسد: منع موقت شرکت در امور معمول اجتماع. اینها هیچ ربطی به بیماری ندارند و کاملاً به عدم تایید اجتماع مربوط هستند. این چیزی است که فهم قانون تزارات را در ابتدا دشوار می سازد: این قانون یکی از نادر مواردی است که شرمزده کردن در انظار اجتماع در جامعه ای استوار بر تقصیر و نه شرم انجام می شود. این اتفاق افتاد، اما نه از این رو که اجتماع، عدم تایید خود را نشان داده بود، بلکه از این رو که خدا دستور داد که چنین باشد.

اما چرا برای این مورد خاص، یعنی زبان شر (لاشون هارا)؟

زیرا سخن گفتن چیزی است که یک اجتماع را به همدیگر متصل نگه می دارد. انسان شناسان استدلال کرده اند که زبان در میان انسان ها دقیقاً به این دلیل تکامل یافت که پیوند آنها را محکمتر سازد تا بتوانند در گروه بندی های بزرگتری همکاری کنند که در میان جانوران وجود ندارد.

آنچه همکاری تا تضمین می کند، اعتماد است. اعتماد به من امکان و شهامت فداکاری برای گروه می دهد با این علم که می دانم دیگران نیز چنین خواهند کرد. این دقیقاً همان دلیلی است که چرا لاشون هارا این اندازه ویرانگر است. اعتماد را از بین می برد. زبان شر مردم را به یکدیگر بدبین می سازد. زبان شر اگر از آن جلوگیری نشود، هر گروهی را که هدف بگیرد، ویران می سازد: خانواده، گروه همکاری، اجتماع، و حتی ملت. بنابر این زبان

شر خصلتی بدخیم دارد: قدرت زبان را به کار می برد تا همان چیزی را ضعیف کند که زبان برای آن خلق شد، یعنی اعتمادی که نگه دارنده پیوند اجتماعی است.

از این رو است که مجازات لاشون هارا تبعید موقت از اجتماع از راه شرم زده کردن در انتظار بود (نشانه های روی دیوارها، اسباب ها، لباس ها و پوست)، شرم زده ساختن (لباس های پاره شده و غیره) و طرد (اجبار به زندگی در خارج از اردوگاه). شاید دشوار و حتی ناممکن باشد که برای مجازات شایعه سازی و بدگویی از قراردادهای معمول قانون، دادگاه ها و اثبات تقصیر استفاده کنیم. این کارها را می توان در مورد *motsi shem ra* یا بدنام سازی و تهمت انجام داد، زیرا اینها موارد اعلام یک دروغ هستند. لاشون هارا یا زبان شر، پیچیده تر است، زیرا نه از راه اعلام یک حرف دروغ، بلکه از راه بدگویی اتفاق می افتد. فرد متهم به لاشون هارا به راحتی می تواند بگوید: "من این حرف را نگفتم، منظورم این نبود، و حتی اگر این کار را کردم، هیچ دروغی نگفتم." بهترین راه برخورد با افرادی که روابط دیگران را بدون اعلام همگانی و آشکار حرف دروغ، مسموم می کنند این است که نام آنها اعلام شود، شرم زده و سرزنش شوند.

به نظر حکیمان این کاری است که تزارات در دوران باستان، به صورت معجزه آسایی انجام داد. این قانون دیگر به آن صورت که در تورات گفته شده، اجرا نمی شود. اما به کارگیری اینترنت و شبکه های اجتماعی به عنوان ابزارهای شرمنده ساختن در انتظار همگان، هم قدرت و هم خطرهای فرهنگ تقصیر را آشکار ساخته است. تورات در موارد نادری این کار را توصیه می کند و در مورد *metzora only* فقط عمل خدا و نه مردم را پاسخ آن می داند. اما دلیل اخلاقی *metzora* سر جای خود باقی است. شایعه سازی مکارانه، لاشون هارا، روابط را ویران می کند، پیوند اجتماعی را سست می سازد و به اعتماد لطمه می زند.

این عمل سزاوار آن است که در انظار همگان افشا و رسوا شود. هرگز درباره دیگران
بدگویی نکن و از آنانی که چنین می کنند، دوری کن.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved